

فهرست مطالب

چکیده:	۱
مقدمه:	۱
مفهوم دین:	۳
پیشینه دین:	۳
نقش دین در زندگی:	۴
نقش دین در زندگی فردی:	۴
۱- آرامش روحی و روانی:	۴
۲- خوش بینی و امیدواری:	۵
۳- عملیاتی شدن اخلاق:	۵
۱- تامین قوانین جامع و کامل:	۵
۲- بهبود در روابط اجتماعی:	۶
تاثیر دین باوری در زندگی فردی و اجتماعی:	۶
فواید ایمان:	۸
۱. بهجت آفرینی:	۹
۲. روشن بینی:	۱۰
۳. امیدواری:	۱۲
۴. آرامش خاطر:	۱۳

۱۸-----۵-اجتماعي بودن

۱۹-----۶-روابط اجتماعی

۲۱-----۷-هدف مندي

۲۴-----نتیجه گیری :

۲۴-----۱- بهجت آفرینی :

۲۴-----۲- روشن بینی

۲۴-----۳- امیدواری

۲۵-----۴- آرامش خاطر

۲۵-----۵-اجتماعي بودن

۲۵-----۶-روابط اجتماعی

۲۶-----۷-هدف مندي

۲۶-----منابع

۲۶-----نرم افزارها:

۲۷-----کتابها:

۲۸-----مقالات:

چکیده:

دین به عنوان مقوله‌ایی در زندگی انسان در تمامی شئون و روزنه‌های وجودی او اثر می‌گذارد و انسان نیز از آن متأثر می‌گردد. این تاثیر و تاثر هم در جنبه‌های فردی انسان است و هم در جنبه‌های اجتماعی.

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در کتاب انسان و ایمان به بررسی تاثیر دین در زندگی انسان، برخی از آثار فردی دین را بیان می‌دارد. این نوشتار با الهام‌گیری از روش استاد در بیان فواید دین، چند عنوان دیگر نیز بدان افزوده است. این فواید به این جهت از جانب دین نشئت می‌گیرد که انسان را متصل به منبع لایزالی به نام الله (ذات مستجمع جمیع صفات کمال) می‌کند و انسان را پس از هدایت تکوینی مشمول هدایت تشریعی کرده و اراده نموده که انسان نیز هدایت شود و از ثمرات این هدایت بهره‌مند شود.

مقدمه:

انسان امور فطری را به ودیعه از جانب خداوند متعال دریافت نموده که همه آنها در جهت دهی زندگی فردی و اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. "فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا"، شکوفایی این استعدادهای فطری، مشروط به برطرف کردن موانع و قرارگرفتن درجهت اصلی کمال است. استعداد فطری و نیروی خدانشناسی یعنی درک پاره‌ای از اسرار آفرینش که در نهاد بشر به ودیعت سپرده شده و البته در آغاز امر قوه محض بوده است، از این رو هر يك از افراد بشر در آغاز زندگی فاقد همه گونه دانش و بصیرت می‌باشد زیرا احساسات و همچنین افکار آنان از صفر شروع میشود و حیات تعقل و زندگی جاوید بشری نیز بر اساس نور فطرت نهاده شده است، زیرا غرض از آفرینش جهان دوام فیض نسبت به سلسله بشر است که خداوند روح و نور به وی ارزانی داشته و در آن استعداد و نیروی زیاده بر تصور به ودیعت نهاده و بر این اساس است که زندگی او ابدی خواهد بود. انی وجهت وجهی للذي فطر السموات و الارض انسان خاکی در واقع، حیوانی است که در درونش استعداد انسان شدن را دارد. وگرایش‌های فطری درونش، قابل تربیت، رشد و پرورش می‌باشند. بشر علاوه بر خداجوئی فطری موحّد نیز

میباشد. آدمی به حکم الهام فطری در عمق وجدان خود متوجه خدای یکتا است از جمله جنایات فیلسوفان مادی و مؤسسان مکاتب ضد دینی و انسانی، جعل و تحریف تاریخ است مثلاً آنها ادواری برای تکامل اجتماعی بشر وضع کرده و جمیع کشمکشها و اختلافات و جنگها را فقط بر موجبات و اسباب و علل اقتصادی حمل میکنند، در صورتی که اندک اطلاعی از حوادث و وقایع تاریخی کافی است که بدانیم بسیاری از جنگها، عوامل و علل فراوان دیگری از قبیل شهوت رانی و جاه طلبی صاحبان قدرت و سلطنت و یا اسباب و موجباتی مانند عقاید مذهبی و ملی داشته است که با علم قطعی آتش افروزان جنگ ها به این که ضررهای فراوان اقتصادی را در حال و آینده باید تحمل کنند آنها را به وجود می آورده اند . و این شکوفایی نیازمند تلاش مضاعفی است که همانند دانه ای برای رسیدن به کمال و سعادت باید مسیری را با کمک عقل بگذارند تا به کمال برسد. و نهایت کمال انسان که میوه مورد نظر ما است مقام خلیفه اللهی است. *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً*. پس انسان باید در مسیر حرکت خود، غایت را در نظر بگیرد که همان لقاء الله است. و اعبد ربك حتي يأتیک اليقين.

انگیزه خداجویی والاترین انگیزه بشری است که سبب برتری انسان نسبت به تمام موجودات می شود و انگیزه های دیگر در راستای انگیزه خدا جویی او دیده می شود. حس پرستش و خداجویی یکی از امور فطری است که در سیر خاک تا افلاک انسان را همراهی می کند و در این ارتباط پدیده ای به نام ایمان به وجود می آید که در زندگی انسان موثر می باشد. تأثیر گذاری ایمان در زندگی آدمی منوط به انتخاب آگاهانه اوست. با گرایش به ایمان به اوج تعالی می رسد و با عدم تمایل به ایمان مرحله سقوط و نابودی می رسد . انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا . از آغاز حیات بشر ، دین و خداپرستی صرف نظر از چگونگی آن ، وجود داشته و انسانها از روز نخست زندگی در روی کره خاکی دین دار و خداپرست بوده اند . و همچنین با همه ی مخالفتها و مبارزات سخت طاغوتها و سایر دین ستیزان بادین و دین آوران (پیامبران) و دین داران راستین در طول تاریخ ، همچنان درخت کهنسال دین پابرجا بوده و در تمام عرصه های زندگی بشر حضور موثر و تعیین کننده ای داشته است .

مفهوم دین :

واژه دین در فرهنگ لغات ونیز در کاربردهای قرآنی به معانی حکم وقضا، رسم وعادت ، قانون ، جزا، حساب شریعت، طاعت وبندگی، تسلیم، اسلام ،روش، توحیدو خداپرستی و مانند آن آمده است. اما برای مفهوم اصطلاحی دین دین پژوهان شرقی وغربی اعم از مسلمان و غیر مسلمان، تعاریف گوناگون و گاه متضادی ارائه کرده اند که از مجموع تعاریفی که برای دین حق و کامل طرح و بیان شده دو تعریف زیر جزو بهترین و جامع ترین آنها می باشد.

۱- دین مجموعه عقاید ، قوانین و مقرراتی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد وهم در باره اصول گرایشی وی سخن می گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را زیرپوشش دارد .

به دیگر سخن ، دین مجومه عقاید، اخلاق و قوانین ومقرراتی است که برای اداره ی فرد و جامعه ی انسانی و پرورش انسان ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد .

۲- دین ، عبارت است از اصول علمی وسنن و قوانین عملی که بر گزیدن و عمل کردن به آن تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است. از این رو لازم است دین با فطرت انسانی هماهنگ باشد تا تشریع با تکوین مطابقت داشته باشد و آنچه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد ، پاسخ گوید.

این دو تعریف ، ناظر به دین حق در مرتبه ی کمالش می باشد که بر پایه خدا شناسی و انسان شناسی واقع بینانه استوار است زیرا با توجه به ربوبیت حکیمانه ی الهی ونیز باتوجه به این که انسان قابلیت حیات ابدی و کمالات بالایی معنوی و اخروی را در حد ظرفیت خود داراست، به دینی نیاز منداست که او را در طی این مسیر کمالی وحیات جاودانه اخروی توأم با رستگاری حقیقی یاری دهد و ر عین حال به نیازهای منطقی دنیوی او توجه کافی نماید و پاسخگوی نیازهای لازم و ضروری او باشد.

پیشینه دین :

دین ، به گواهی پژوهشگران شرقی و غربی ، همزاد بشر بوده و به عنوان يك حقیقت انکار

ناپذیر از آغاز تاریخ زندگی بشر تاکنون حضور داشته و هیچ گاه از صحنه زندگی او بیرون نرفته ، هرچند حضورش با فراز و نشیب فراوان همراه بوده است.

استمرار حضور دین در حیات آدمی نشان از آن دارد که بشر در عمق ذات و خمیر مایه ی وجودش ، دین دار و باور مند بوده ، به تعبیر روانشناسان ، نوعی ((حس مذهبی)) یا ((عشق مذهبی)) دارد و پیوسته در صدد رسیدن به معشوق آرمانی خویش است . هر چند طریق رسیدن به آن را نیافته و گاه به بی راهه رفته باشد. خلاصه آنکه به رغم ادعای برخی از دانشمندان مادی ، که دین و مذهب را زاییده ی امثال جهل ، ترس و تخیل بشر می پندارند. خاستگاه اصلی و سرچشمه اصیل دین ورزی و خدا گرایی انسان ، ((فطرت پاک و زلال انسانی)) است.

نقش دین در زندگی :

به اعتراف عموم دانشمندان روان شناس و جامعه شناس و نیز تحلیل گران مسائل سیاسی- اجتماعی، دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان نقش سازنده ای داشته و دارد ، تا جایی

پیترال برگرمی گوید.((آنان که از نقش دین در تحلیل مسائل جهان معاصر غفلت می ورزند ، مرتکب خطای بزرگی میشوند))یوآخیم واخ ، جامعه شناس دینی مشهور نیز می گوید :((دین در واقع مهم ترین عامل تاثیر گذار محسوب می گردد. دین در همه خانواده ها و روابط اجتماعی آنها و در اکثر فعالیتهای همگانی وامور روز مره همگان دخیل است)) خلاصه آنکه اهمیت دین در کلیه ابعاد زندگی معمولی و متعارف مردم محرز است.

برای نشان دادن نقش سازنده ی دین در زندگی فردی و اجتماعی ، به برخی از آن نقشها و یا به تعبیری ، برخی از آثار سازنده دین ، اشاره ی کوتاهی می شود.

نقش دین در زندگی فردی :

۱- آرامش روحی و روانی : دین و خداپرستی ، به تصریح قرآن کریم ، مهم ترین منبع تامین نیاز روحی و تغذیه روانی بشر است . چرا که با یاد و ذکر خدا و راز و نیاز به درگاه اوست که

زنگارهاي دل آدمي زدوده مي شود و روح متلاطم ، پژمرده و مضطرب ، التيام و آرامش مي گيرد.

۲- خوش بيني و اميدواري : يكي از بيماريهاي روحي و فكري انسانهاي غير مومن در عصر مدرن بدبيني رنج دهنده و نااميد كننده به نظام هستي و آينده ي زندگي است .

در حاليكه انسان دين دارو با ايمان ، چون به مبدا هستي بخش (خدا) معتقد است و او را حكيم عادل و مهربان مي داند و نيز زندگي پس از مرگ (معاد) را باور دارد ، نسبت به جهان هستي خوش بين بوده و آينده را روشن مي بيند و هرگز در بن بست فكري قرار نمي گيرد و به ياس و نااميدي روحي دچار نمي شود و بر اساس داده هاي ايماني ، در صحنه هاي دشوار زندگي به عنايات و كمكهاي الهي اميدوار بوده ، با توكل و اعتماد ، بر خداوند ي كه بر هر كاري توانا است ، به فكر راه چاره مي افتد و خود را از بن بست هارهايي مي بخشد.

۳- عملياتي شدن اخلاق : اخلاق بدون پشتوانه دين و ايمان ديني ، يا اصلا به اجرا در نمي آيد. و اگر اجرا شود ، از بار ارزشي تهيه مي گردد. چنان كه امروزه شاهدديم دنياي غرب و به ويژه آمريكا از همه آموزه هاي اخلاقي و انساني تحت عناوين حقوق بشر ، آزادي و دمو كراسي استفاده ابزاري مي كنند و صرفا براي پيشبرد اهداف استعماري خود و دستيابي به منافع نا مشروع مادي از آن سخن مي گويند و اينرو ، انجام افعال اخلاقي نيازمند پشتوانه قوي معنوي و ايماني است كه دين تنها متكفل آن است

نقش دين در زندگي اجتماعي :

دين در زندگي اجتماعي بسيار تاثير گذار است كه در اینجا به دو نقش مهم آن اشاره مي شود.

۱- تامين قوانين جامع و كامل : ديني چون اسلام به دليل اينكه از منبع لايزال وحي آسماني واز سوي خدای انسان آفرين فرستاده شده است از جامعيت و كمال مطلق برخوردار بوده ، برانسان شناسي دقيق و واقع بينانه استوار است و از عقل نيز به عنوان يك منبع مستقل كشف و استخراج احكام و قوانين - در كنار نقل يعني قرآن و روايات سود مي جويد.

از این رو به همه جنبه های جسمی و روحی، مادی و معنوی- دنیوی و اخروی بشر در زندگی فردی و اجتماعی توجه کافی دارد. در حالیکه قوانین ساخت ذهن و عقل بشر، چنین نیست و معمولاً بعدی از ابعاد روحی و معنوی بشر را مورد غفلت قرار می دهد و در نتیجه، فاقد کارآیی لازم و مطلوب می باشد.

۲- بهبود در روابط اجتماعی: جوامع فاقد دین و ایمان، از ارتباط سالم اجتماعی و روابط خوب انسانی بر خوردار نیستند، به ویژه روابط خانوادگی در این جوامع بسیار نا مطلوب و از هم پاشیده است و احترام و اعتماد لازم میان اعضای خانواده برقرار نیست. از این رو، نمی توانند طعم شیرین محبت را در جمع خانواده بچشند و بیشتر تر جیح که در بیرون از خانه به سر ببرند. دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان نسبت به هموعان و افراد اجتماع و افشاندن بذر صلح، صفا، اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر، موجب می شود که اجتماع و زندگی جمعی، سالم و مطلوب شود و روابط عمومی بهبود یابد و کانون خانواده به بهشت کوچکی از صفا و صمیمیت و علاقه مبدل گردد.

تاثیر دین باوری در زندگی فردی و اجتماعی

ایمان به خداوند زندگی را به سمت امور معنوی و متعالی جهت می بخشد، و شور و شوق حرکت و تلاش را در انسان افزایش می دهد. انسان مؤمن لذت و کمالی را خواستار است که هیچ لذت دنیایی و کمال مادی به ارزش و مطلوبیت آن نمی رسد. پس شوق او در خواستن این لذت و کمال بیشتر از شوق کسانی است که خواستار لذت و کمالات مادی هستند. این تفاوت، تفاوت در اهداف می باشد. کسی که هدفش، خداوند لم یزل است تا ابد مجذوب او می گردد و در جهت رضایت او حرکت می کند. اما از دیگر سو علاقه مجذوبان لذات طبیعی در نهایت تا زمان حضور امور مادی خلاصه می گردد و به انتها می رسد.

ایمان به وجود خداوند حکیم و توانا موجب می شود، تا جهان را هدف دار بدانیم. هدف آفرینش، کمال و سعادت انسان است. پس نظم جهان به گونه ای است که مانع کمال و سعادت انسان نمی شود. و خداوند تمامی لوازم عالم را به استخدام انسان در آورده است. این اعتقاد

موجب آرامش و اطمینان در انسان می‌شود. انسان با امید به آینده ضمن تلاش به سوی کمال حرکت می‌کند. انسان مؤمن در اثر شکست ظاهری ناامید نمی‌شود، زیرا خداوند را ناظر بر عمل خویش می‌داند و معتقد است که نظام عادلانه هستی، تلاش او را برای رسیدن به کمال نادیده نمی‌گیرد و پاداش زحمات او را خواهد داد. ان الله لا يضيع اجر المحسنين .

هم چنین پیروزی ظاهری نیز موجب غرور مؤمنان نمی‌شود؛ زیرا می‌دانند که همه پیروزی‌ها در اثر لطف و امداد خداوند است. لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ .

اعتقاد و باور مذهبی، به عنوان اصلی ترین نیاز انسان معرفی می‌شود. نیاز به یافتن مسیر درست، فهم و برقراری ارتباط و اتصال به مبدا وجودی، فهم غایت و هدف زیست و نقش آدمی در این جهان، چگونگی ارتباطات آدمیان (خدا، خود، دیگران و طبیعت) و نحوه برخورد و کنش انسان از جمله نیازهایی هستند که مذهب تنها پاسخ گوی آنها است، چون زمانی به نیاز وی پاسخ روشن و قطعی داده می‌شود، که در مرحله قبل از پاسخ، شناسایی نیازها (شناخت‌شناسی و جهان بینی) به درستی و روشنی صورت پذیرفته باشد .

به بیان دیگر، جهان از منظر انسان با ایمان و خداپرست، نه مجموعه‌ای از عناصر، نیروها و قوانین کور، بلکه پیکری زنده و معنادار و جهت یاب است. انسان خداپرست و آگاه، خود را در برابر هستی‌ای می‌یابد، که دارای شعور است و احساس می‌کند، تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ و نیز اراده‌ای آگاه بر آن حاکم است. فقدان خدا سیمای طبیعت را بسان ابلهی می‌نماید که انسان خود را با او بیگانه حس می‌کند. غیبت خدا در ذهن، هستی را هم چون قبرستان بیکرانه‌ای می‌کند که انسان خود را در آن تنها می‌یابد. که در آن وادی وسیع و بی انتها در حال طی طریق است در حالی که حرکتی ندارد. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا . هستی پوچ، زندگی را نیز پوچ می‌سازد و ناچار انسان نیز به پوچی می‌رسد. نمی‌توان در جهانی که از شعور، اراده و جهت عاری است، از «مسئولیت انسان» و پذیرش آن

سخن گفت. مسؤوليتي که فرد را به فدا کردن و نثار جان و مالش وا می‌دارد. إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

این مسولیت اگر ریشه در عمق هستی نداشته باشد و بی‌پایه و پایگاه وجودی باشد، مفهومی
ذهنی و خیالی می‌شود، در حالی که ایمان و باور به خدا، که آفرینش را دارای شعور و هدفدار
معرفی می‌کند، طبعاً دید مثبتی به انسان در مقابل نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن
می‌دهد.

پس:

۱- انسان موجودی فطری است.

۲- بر اساس امور فطری روش و مسیر زندگی خود را آگاهانه انتخاب می‌کند.

۳- برنامه‌ایی که این راه را از ابتدا تا اتصال ، مشخص کرده و جهت می‌دهد، دین نام گرفته
است، و از جانب تنها مبدا وجودی برای انسان عرضه شده است و فرد دارای این صفت را مومن
می‌نامند. " قَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا " .

۴- بر اساس میزان حضور این برنامه در زندگی فردی و اجتماعی انسان، میزان ایمان او به مبدا
و برنامه ارائه شده از سوی خداوند تعیین می‌شود، چرا که ایمان یعنی تصدیق کردن کسی و
در انقیاد او در آمدن ، معرفی شده است. إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي
فَطَرَنِي وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ .

فواید ایمان

معلم شهید آیت الله مرتضی مطهری رحمه الله در بررسی محققانه خویش آثار و فوائد ایمان را
به این شکل ترسیم می‌کنند:

۱. بهجت آفرینی

اولین اثر ایمان به لحاظ بهجت آفرینی و انبساط آفرینی، «خوش بینی» است. خوش بینی به جهان و هستی. به لحاظ آنکه ایمان نحوه تلقی انسان را نسبت به خود و طبیعت و خدا شکل بخشیده و در نهایت آفرینش را غایت مدار و هدفدار معرفی می‌کند و غایت را تکامل و سعادت انسان در اتصال به مبدا وجودی بیان می‌دارد. اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا. در نهایت دید انسان را به کلیت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن خوش بینانه خواهد ساخت. آدمی در این نحوه نگرش به خلقت خود توسط خالق، ایمان دارد و بر اساس این ایمان هر آنچه، به عنوان برنامه راه از سوی آن مبدا ارائه شود مورد پذیرش یقینی قرار خواهد گرفت. وقتی با جهان بینی خدایی حرکت کند، ایدئولوژیی ترسیمی خود را نیز خداگونه می‌سازد و خود را موظف به حرکت در طی همان چهارچوبه می‌داند و در طی مسیر خطا نمی‌کند.

چنین فردی بر این اعتقاد است که وسایل رشد و ترقی او به صورت کامل مهیا است، یعنی اگر نتواند گام های سعادت را در راه تکامل خویش بردارد، مقصر خود اوست. این اعتقاد و اندیشه است که او را با امیدواری به آینده‌ای درخشان به حرکت وا می‌دارد. لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي. پروردگار در بشر نیروی پذیرش و امکان رشد و تعالی نهاده است که اگر بخواهد به سیر ارادی به مقامی از کمال و هدایت نائل می‌شود این همان هدایت فطری است، و چنانچه انسان نیروی فطرت خدادادی را به کار بندد و با نیروی اراده و عمل آنرا رشد دهد، به مقامی از کمال انسانی نائل خواهد شد. این مرتبه از هدایت و کمال اکتسابی است و به پروردگار استناد دارد. و سیر ارادی و اعمال نیک او نیز از جمله علل و اسبابی است که به فضل پروردگار باعث توفیق او بوده است و چنان چه نیروی فطرت را به کار نبندد و از طریق خرد و دین خارج شود یعنی به سوء اختیار بر حسب اراده و عمل طریقه گمراهی و انحراف بپیمايد، از رحمت پروردگار بی بهره گشته و نور فطرت را در خود خاموش می‌کند.

پس فردی که به مبدا و معاد ایمان ندارد و عناصر ایمان را در زندگی خود دخالت نمی‌دهد، آگاهانه عملکردی را برای خود انتخاب کرده است که سراسر ناراحتی، اضطراب و عدم آرامش است. و من اعرض عن ذكري فان له معيشة ضنكا کسی که از قرآن و دلالت های آن اعراض

کند و در آن دقت نکند، گرفتار معیشت تنگ خواهد شد. یعنی خدا روزی مادی و معنوی او را به سختی می دهد و این نتیجه اعراض اوست. اگر هم به او رزق فراوان دهد، معیشت را از این راه بر او سخت می گیرد که امساک کند و از آن استفاده نکند و اگر هم استفاده کند، حرص و تلاش زیاد، زندگی را بر او دشوار می سازد. برخی گویند: یعنی گرفتار عذاب قبر می شود. به گونه ای که هیچ گاه خود را در آسایش روانی و فکری نمی یابد. چرا که به واقع ایمان تنها عنصری است که زندگی را درون ما بر ما وسعت می بخشد و مانع محکمی در برابر هر گونه فشار روحی و روانی خواهد شد.

۲. روشن بینی

آدمی به محض قبول ایمان جهان را به واسطه نور حق و حقیقت، منور و روشن می بیند، این روشنی به فضای درونی وجود او نیز رسوخ کرده و منجر می شود که راه ترقی را بدون هیچ گونه ابهام و تاریکی بیابد. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا بر خلاف کسی که به اختیار نخواست است، از این روشنایی استفاده کند. وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. یعنی با عدم قبول ایمان و انقیاد نسبت به کفر که امری عدمی است و هیچ گونه رابطه ای با نور و روشنی ندارد خود را در وادی ظلمانی می یابد که امکان حرکت و رشد نمی یابد.

فرقان، صیغه مبالغه از ریشه فرق است که در این جا به معنای چیزی است که به خوبی حق را از باطل جدا می کند. این جمله کوتاه و پر معنا یکی از مهم ترین مسائل سرنوشت ساز انسان را بیان کرده و آن این که در مسیر راهی که انسان به سوی پیروزی ها می رود همیشه پرتگاه ها و بیراهه هایی وجود دارد که اگر آنها را به خوبی نبیند و نشناسد و پرهیز نکند چنان سقوط می کند که اثری از او باقی نماند. در این راه مهم ترین مساله، شناخت حق و باطل، شناخت نیک و بد، شناخت دوست و دشمن، شناخت سود و زیان، و شناخت عوامل سعادت و یا بدبختی است، اگر انسان این حقائق را به خوبی بشناسد رسیدن به مقصد برای او آسان است. فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. این افراد ثمره و نتیجه اعمال خود را ولو به صورت مختصر در این دنیا می یابند و آن آرامشی است که خداوند به انسان ها اعطا می کند.

رابطه ایمان و روشن بینی مومن در قرآن کریم این گونه تبیین می شود که فرد گمراه با پذیرش حق و ایمان تغییر مسیر داده و به سان مرده ایی که به فرمان خدا زنده شده است. اَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيِيْنَاهُ ايمان، افراد را دگرگون می سازد و در سراسر زندگی آن ها اثر می گذارد و آثار حیات را در تمام شؤون زندگی آن ها آشکار می نماید. حیات طیب و پاکیزه لازم لاینفک آن آثار درخشان و قدرت و ملازمت باعمال صالحه و آثار باقیه فردی و اجتماعی است همان حیات معنوی و حقیقی است از نظر اینکه در اثر معرفت صفات واجبه پاره ای از حقایق را یافته و بدان اعتقاد نموده و پیوسته در مقام انقیاد بر می آید و از مخالفت پروردگار می پرهیزد و لازم ایمان کامل و علم به صفات کبریائی اعتقاد بقدرت نامتناهی است و به پشتیبانی پروردگار اعتماد دارد و با این اعتقاد ثابت هرگز در زندگی از حوادث و خاطرات ناگوار قلب او متزلزل نمی شود و پیوسته قلب او استقرار خواهد داشت . سپس می گوید: «ما برای چنین افراد نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه بروند.» وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ منظور از این لله علیه و آله نیست، بلکه علاوه بر این، ایمان به خدا، بینش و درك تازه ای به انسان می بخشد و افق دید او را از زندگی محدود مادی و چهار دیوار عالم ماده فراتر برده و در عالمی فوق العاده وسیع می گستراند.

در پرتو این نور که مصداق بارز و کامل نور ذات باری تعالی است. "همین طور که نور حسی در هر مرتبه ای که باشد در اصل نورانیت یکی است و لکن در نقص و کمال و شدت و ضعف مراتبی دارد ایمان هم که عبارت از تصدیق قلبی است آن نیز مراتب بسیاری دارد اگر چه در تمام مراتب آن اصل واحد که تصدیق جزمی و نسبت حکمیه باشد یکی است که بر تمام مراتب ایمان صادق آید و کم و زیاد و شدت و ضعف راجع به مراتب آن است و آیاتی که در قرآن مجید راجع به ایمان ذکر شده مثل همین آیه بالا که راجع به مؤمنین فرموده (لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ) و قوله تعالی آنجا که فرموده: وَإِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا و در جای دیگر لله و غیر اینها از آیات بسیار و روایات بی شمار که مشعر بر این است که ایمان قابل زیاده و نقصان است ظاهراً حمل بر مراتب و کمال آن کردن اولی است. اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. و از طرف دیگر؛ "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ". پس وسعت دیدگاهی که ایجاد می کند با بقیه لوازم

نورزایی تفاوت ماهوی دارد می‌تواند راه زندگی خود را در میان مردم پیدا کند، و از بسیاری اشتباهات که دیگران به خاطر آز و طمع، و به علت تفکر محدود مادی، و یا غلبه خودخواهی و هوی و هوس، گرفتار آن می‌شوند، مصون و محفوظ بماند. "لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ".

لله «انسان با ایمان با نور خدا نگاه می‌کند» اشاره به همین حقیقت است. سپس چنین فرد زنده و فعال و نورانی و مؤثر با افراد بی‌ایمان لجوج مقایسه می‌شوند، آنجا که، می‌گوید: «آیا چنین کسی همانند شخصی است که در امواج ظلمتها و تاریکیها فرو رفته و هرگز از آن خارج نمی‌گردد؟! كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا».

۳. امیدواری

سومین اثری که در سایه سار ایمان و طی طریق سعادت یابی دینی ایجاد می‌شود، امیدواری است. لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. عدم ایمان و فقدان روح خدایی، به لحاظ حاکمیت منطق مادی در جهان پیرامون نسبت به فردی که در راه صحیح و یا باطل، عدالت یا ظلم، درست یا نادرست گام برمی‌دارد بی‌طرف و بی‌تفاوت است. نتیجه کار آنها بسته به این است که مقداری تلاش داشته باشند و بس! از دیدگاه مومن خالق آفرینش به طور کامل و مستمر حامی و طرفدار کسانی است که در راه حق و حقیقت گام بر می‌دارند چرا که: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا".

بر این اساس انسان مؤمن به لحاظ آن که گام های خود را طبق قوانین الهی تنظیم می‌کند نتیجه را هم از چنین برنامه‌ای خواهان است. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

او در حقیقت خود را به این نحوه از نگرش و زندگی سپرده است، با اعتقاد و ایمان حرکت را آغاز کرده است، پس تمام پدیده‌هایی که در این راه ایجاد می‌شوند را هم از جانب همان مدیر و مدبر می‌بیند، که گام های قبلی و بعدی او را تنظیم می‌کند. و این تنظیم مسیر با توجه به گسترش رحمت الهی و افاضه رحمت خود بین بندگان است. و عاشقانه در این مسیر گام بر

می‌دارد. قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ.

امیدواری تنها از این نکته ناشی می‌شود که: انسان به موجودی که حرکت او را جهت بخشیده و تنظیم می‌کند، اعتقاد داشته و عنصر توکل را قرین ایمان واقعی و حقیقی خود در نظر گرفته باشد، به خلاف کسانی که چنین توکل و ایمانی را انتخاب نکرده یا فراموش می‌کنند اینان بر اساس آن که خود را تنها مدبر امر می‌دانند. "إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ" یا آن که مدبرعالم را غیر خدا انتخاب کرده اند اَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ در رویارویی با مشکلات، موانع و سختی‌ها به دو نحو برخورد خواهند کرد: یا این که تازه متوجه يك مبدا متعالی خواهند شد ، خداوند در قرآن می‌فرماید که بندگان در اضطراب و تلاطم کشتی‌ها در دریا و به لحاظ ترس از غرق شدن، متوجه يك مبدا شده و هنگامی که به ساحل می‌رسند دوباره آن مبدا را فراموش می‌کنند فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ .

دیگر این که گام‌های بعدی برداشته می‌شود، تا به آنجا که در نا امیدی مطلق گام برمی‌دارند که در این صورت دیگر هیچ انگیزه‌ای برای ادامه حرکت و طی مسیر زندگی باقی نخواهد ماند وَ قَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا .

۴. آرامش خاطر

اثر بعدی ایمان به لحاظ انبساط آفرینی، آرامش خاطر است. در برنامه‌ای که از جانب خداوند متعال آمده، به وضوح و روشنی، از بدو تا ختم و در نهایت اتصال حقیقی ترسیم گشته است به این لحاظ انسانی که در این راه گام برمی‌دارد، در همان گام‌های آغازین آرامش خاطر کاملی را می‌یابد که نتیجه احساس و اتصال بین خالق و مخلوق است: الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ . لَهُمُ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ .

... من ءامن بالله و اليوم الآخر ... و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.

این آرامش درطرف مقابل، هیچ گاه یافت نمی‌شود، به لحاظ آن که خزانه محدود تفکر آدمی توانایی و قابلیت آن را ندارد که تا به انتها حرکت را به یقین تنظیم کند خَلْقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ، پس هر لحظه و هر آن دچار دلهره و اضطراب خواهد شد هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا . کلمه سکینه از ماده سکون که خلاف حرکت است، که در ارتباط با آرامش قلب استعمال می‌شود و معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است ، هم چنان که حال انسان حکیم این چنین است، که هر کاری می‌کند با عزم می‌کند، و خدای سبحان این حالت را از خواص ایمان کامل قرار داده و آن را از مواهب بزرگ خوانده است.

این حالت فوق العاده روانی، موهبتی است الهی و آسمانی که در پرتو آن، انسان مشکل‌ترین حوادث را در خود هضم می‌کند، و يك دنیا آرامش و ثبات قدم در درون خویش احساس می‌نماید. وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ که علاوه بر آرامش روانی نتایج دیگری نیز در بر دارد که در این دنیا نیز مشمول آن می‌شود .

این قسمت از آیه: وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ، با قسمت قبلی چه نسبتی دارد؟ جنود، به گروهی گویند که با یکدیگر پیوندی خاص و هدفی واحد دارند. برخی گفته‌اند لشکریان آسمان ها و زمین مؤید مومن می‌شوند. این سخن درست است لکن مقصود قرآن بالاتر از این معناست. هر انسانی مجموعه‌ای از عوالم وجود است، از ناسوت تا لاهوت. عوالم ارضی و سماوی یا عوالم سفلی و علوی. مقصود از «و لله جنود السماوات و الارض» ، اشاره به این مطلب است که «ای انسان تو معجونی از همه عوالم وجود، هستی، و برای هر يك از این عوالم با لشکریان و کارگزاران خود در نسبت با ایمان سکینه‌ای است» . عالم عقلی سکینه‌ای متناسب با خود دارد، و عالم روح و قلب و نفس نیز هر يك سکینه متناسب با عالم خویش دارند. مؤمنی که در مرتبه‌ای عالی از ایمان قرار دارد در طریق ادای تکالیف الهی نه عقلش انحراف پیدا می‌کند و نه در تشخیص دچار اشتباه می‌شود و نه قلبش و نه حتی اعصابش دچار کژی و کاستی می‌گردد. چون در همه مراتب وجود خود سپاهيانی دارد. یعنی در هر مرحله چیزی از جنود الهی به امر الهی به منظور یاری مومن به سراغ وی می‌آید.

«جنود السماوات و الارض» الهی به سراسر وجود انسان مؤمن، آرامش و امنیت می‌بخشد . مهم این است که افراد آن چنان با روح ایمان و استقامت و فداکاری پرورش یابند که دلهایشان مرکز " سکینه" الهی گردد، و در برابر سخت‌ترین طوفانهای زندگی چون کوه پا بر جا و آرام بایستند. در باره کسانی که ایمان به خدا و رسول دارند می‌فرماید: اینان ممکن نیست با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند، هر چند که پدر یا فرزند یا برادر یا خویشاوندشان باشد، چون خداوند ایمان را در دلهایشان نوشته و حك کرده و به روحی از خود تاییدشان کرده است، پس می‌فهمیم آن حیات جدا از حیات کفار، که در مؤمنین هست، حیاتی است که از حیات و روح خدا سرچشمه دارد و پاداش و اثرش حك شدن ایمان و استقرار آن در قلب است، پس این مؤمنین مؤیدند به روحی از خدا، و این روح وقتی افاضه می‌شود که ایمان در دل رسوخ کند، آن وقت است که حیاتی جدید در جسم و کالبدشان دمیده می‌شود، و در اثر آن نوری پیش پایشان را روشن می‌کند .

البته بیان فوق به این معنا نیست که انسان مؤمن با توکل و ایمان دست از تلاش برداشته یا تلاش مهمی کند، بلکه تلاش در کنار عنصر اطمینان خاطر مؤثر واقع می‌شود مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ، یعنی تلاش توسط ایمان و عقیده جهت‌یافته، تنظیم می‌شود و پایه‌ای یقینی می‌یابد فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ پس دیگر جایی برای اضطراب باقی نخواهد ماند، به لحاظ آن که اضطراب، حاصل شك و تردید است و که در مورد انسان های مؤمن هیچ گاه رخ نمایی نمی‌کند، به دلیل این که ارتباطی بین خالق و مخلوق ، اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ، مؤمن و مؤمن بر قرار شده است که يك طرف این ارتباط خداوندی است که تمامی این تلاش ها و حرکات توسط عنایت و توجه او جهت‌یافته و تنظیم می‌شوند مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .

و از طرف دیگر انسان مؤمن به لحاظ آنکه به ایمان خود ایمان داشته و آگاهانه این راه را انتخاب می‌کند، تمام درها را به سوی ورود هر گونه تردید و دلهره می‌بندد و رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، پس آرامش خاطر می‌یابد و این سکینه و آرامش او را به جلو می‌راند، مگر نه آن

است که ابتدا :انی وجهت وجهی..... ، سپس، الا بذكر الله تطمئن القلوب . هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ .

آرامش روانی که از جانب دین نصیب انسان می گردد به دو جهت است : ابتدا، فطرت انسان ناخودآگاه در تب و تاب است تا به این خواسته خداجویی ، دست یابد و تا به آن نرسد آرام و قرار نمی گیرد. میل و کششی در انسان به ودیعه نهاده شده تا به سوی میل فطری خود حرکت و تلاش نماید و انسان نیز به گزین است ، پس رسیدن به هر خواسته ای، نمی تواند جای آن را بگیرد، به همین خاطر، انسانی که یاد خدا را در دل خویش جای دهد و ارتباط روحی میان خود و خدا برقرار کند، آرامش عمیقی توأم با رضایت و خشنودی به دست می آورد.

دوم از آن جهت است که فرد مؤمن با توکل و اعتماد به خدا و دل بستن به الطاف و عنایات او، هرگز یأس و ناامیدی را به دل خویش راه نمی دهد. لَا يَیْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ از این رو با ایمان به مبدا و معاد و دل نبستن به لذاذذ زودگذر دنیوی ، هنگام به دست آوردن و از دست دادن آنها مضطرب و ناراحت نمی شود. لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ا ما کافران که به دلیل بی اعتمادی به مبدا و معاد و نیز با توجه به این که نهایت هدف و خواسته شان را در دنیا و نعمت های فانی آن جستجو می کنند، به طور طبیعی نگران از دست دادن آنهایند و حسرت نداشته ها را می خورند. و در به دست آوردن امکانات آن تلاش و افری دارند خداوند در ارتباط با یکی از آثار مرگبار دلبستگی به دنیا که بیگانگی از خداست سخن می گوید، می فرماید: «و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطانی را به سراغ او می فرستیم، پس همواره قرین اوست»! وَ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ .

آری! غفلت از ذکر خدا و غرق شدن در لذات دنیا، و دل باختگی به زرق و برق آن، موجب می شود که شیطان بر انسان مسلط گردد و همواره قرین او باشد، و رشته ای در گردنش افکنده، «می برد هر جا که خاطر خواه اوست»! دنباله روی از شیطان نقطه مقابل ایمان به خدا است پس آثاری را که برای ایمان به خدا مترتب است در تبعیت از شیطان اصلاً متصور نیست چه این که بخواهد روزی آثار وجودی ایمان ممکن یا موجود شود. سپس به دو امر مهم که

شیاطین در باره این غافلان انجام می‌دهند. اشاره کرده، می‌فرماید: «و آن‌ها [شیاطین] این گروه را از راه خدا باز می‌دارند» وَ إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ . و دیگر این که هر وقت اراده بازگشت کنند سنگی بر سر راه آن‌ها می‌افکنند و مانعی ایجاد می‌کنند تا هرگز به صراط مستقیم باز نگردند.

برخی از آیات، قلب مومنان را به دلیل ذکر نام خداوند، مالا مال از صفا و آرامش ملکوتی وصف می‌کنند، آنان که ایمان آوردند و دل‌های ایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد. الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ، الا بذكر الله تطمئن القلوب. در مقابل قلب کافران، مثل سنگ و بلکه سخت‌تر از آن وصف می‌شوند. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَ إِنَّ مِنْ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ . قلب‌های قوم بهانه‌جو و کافر بنی‌اسرائیل را که بعد از دیدن معجزات متعدد باز کافر شده بودند، مثل سنگ و بلکه سخت‌تر از آن وصف می‌کند، چه آنکه سنگ با وجود سفت و سخت بودنش در مقابل عظمت پروردگار خاشع می‌شود، و حال آن که دل کافران خاشع نمی‌شود .

حد آرامش روحی هر کس، متناسب با ایمان و پیوند قلبی او با خداوند است. هرچه ایمان قوی‌تر باشد، آرامش روحی نیز به همان میزان افزایش می‌یابد. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ وَ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ این آیات در برگیرنده ثمرات آخرتی ایمان است.

خداوند آثار ایمان در دنیا را این گونه بیان می‌فرماید: وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا غَدَقَ به معنای آب زیاد و فراوان است. و چون بیشتر خیرات و برکات متوقف بر آب است، که کنایه از زیادی خیرات و برکات می‌باشد. اما کسانی که ایمان سست و ضعیفی دارند، آرامش ایشان نیز کمتر خواهد بود. به همین خاطر ، کافران بی‌ایمان، هیچ بهره‌ای از آرامش و ثبات ندارند، و قلب و دل‌شان همانند سنگ، سفت و سخت است. هم چنان که

نفوذ آب درون سنگ سفت و سخت ممکن نیست، این گونه قلوب نیز به علت عدم نفوذ ایمان سخت شده که ایمان اجازه و قدرت نفوذ در آن راه ندارد تا ثمرات خود را بنمایاند.

۵- اجتماعی بودن

اثر بعدی دین در زندگی فردی، اجتماعی بودن انسان است که با ذکر موارد زیر به آن اشاره می گردد:

الف - انسان مانند برخی از جانداران دیگر، اجتماعی آفریده شده است؛ "وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا".

ب - زندگی در اجتماع نمی تواند به شکل فردی اداره شود، بلکه باید همه اعضاء اجتماع در آن سهیم بوده و شرکت کنند. "وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ". - "مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا".

ج - مشارکت اجتماعی وقتی امکان پذیر است که نوعی تقسیم کار بین افراد برقرار شود تا بر این اساس ارتباطات در انواع مختلف آن (اقتصادی، فرهنگی و...) برقرار می شود. "فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ".

د- روابط و ارتباطات اجتماعی هنگامی می توانند يك جامعه را هدایت کنند که بر مبنای قوانینی عادلانه تنظیم شده و افراد، عدالت را در این قوانین جاری ببینند. اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى. - لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ما رسولان خود را با دلیل های روشن فرستادیم، و با آن ها کتاب (آسمانی) و میزان را (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند. پس از بیان این مقدمه دو نکته باقی خواهد ماند؛ ابتدا آنکه ضمانت قوانین حاکم بر روابط چیست و سپس میزان توجه و عمل کردن افراد به این قوانین تا چه حدی است؟

پس دین علاوه بر مباحث فردی توجه خاصی نیز به زندگی و روابط اجتماعی معطوف می کند. "وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ" تا آن جا که بخش اعظمی از قوانین و مقررات دینی ناظر به اعمال و روابط اجتماعی آدمیان با یکدیگر است آیات بسیاری دیگر هست که اجتماعی بودن

همه شؤون اسلام را می‌رساند. مثل اصل تشریع نماز به جماعت یا نماز جمعه، جهاد، حج، تعاون، پرداخت وجوهات شرعی و... و از طرفی نیز یگانه دین و برنامه اعتقادی و جوارحی و قوانین که نیازهای اجتماعی و همگانی بشر را در همه دوران‌ها و در همه حالات و پیش آمدها تأمین نماید و هیچ یک از اطراف و جوانب احتیاجات بشری را از نظر دور نداشته همانا اصول اعتقادی و قوانین اسلامی و احکام اجتماعی است که بر وفق فطرت و تفصیل آنچه در کمون و نیازهای بی‌شمار بشر بطور ابهام نهاده شده می‌باشد و هرگز قوانین تصویب شده بشری نمی‌تواند نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی و مالی و سیاسی و اقتصادی عموم اجتماعات بشر را در همه حالات و زمانها تأمین نماید به طوری که هیچ گاه نیاز به تجدید نظر نداشته باشد. چون از طرف خداوند صادر شده که آگاه به نیازهای انسان می‌باشد و از جهت دیگر به تمام ظرفیت‌های درونی و بیرونی وی نیز اشراف دارد.

۶- روابط اجتماعی

اصولی که بر روابط اجتماعی مؤمنین حاکم است (که در حقیقت تعامل همان خصائص و گرایش درونی فرد با خارج است) عبارتند از: با زبان نیکو با مردم سخن گفتن، خوشرفتاری با مردم، جود و احسان، تعاون و همکاری، مواسات و اینکه خود را میزان روابط با دیگران قرار دهید. هم چنین بر اتحاد و همبستگی، امر به معروف و نهی از منکر، عفو، ایثار، اجتناب از کارهای بیهوده و خصوصاً بر این که در جهت قسط و عدالت در همه شئون جامعه به پا خیزید، تاکید شده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط»، «العدل راس الایمان»، «العدل زینة الایمان». در همین راستا، صدق و صفا و یگانگی با مردم اهمیت بسیار دارد:

«الایمان ان تؤثر الصدق حیث یضرك علی الکذب حیث ینفعک»، «الصدق اقوی دعائم الایمان»، «الصدق راس الایمان و زین الانسان». البته این حالت صدق در زبان و فعل باید یکسان باشد.

در این بخش می‌توانیم خصوصیات اخلاقی دیگری را نیز که حاکم بر روابط اجتماعی مؤمنین ذکر کنیم: صبر و بردباری در مشکلات و مصائب، امانتداری، وفای به عهد، عفت و پاکدامنی، فروتنی و تواضع، عزت نفس در مقابل دیگران، حاکم بودن بر هوای نفس و شهوت. معیار اصلی

و حاکم بر جمیع روابط اجتماعی، «محبّت برای خدا و دشمنی برای خدا» است و می توان این روابط را رتبه بندی نمود زیرا به هرمیزان که افراد به خداوند نزدیکتر باشند (روابط با مؤمنین) رابطه ای قوی تر و بیشتر است. این مرتبه روابط اجتماعی، که همراه با ریشه های عمیق عاطفی است و از آن تعبیر به ولایت می شود، اختصاص به افراد داخل در دایره ایمان دارد: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» ، ولی در خارج از این دایره، وجود روابط اجتماعی نفی نمی شود؛ خصوصاً مراعات ادب و احترام در برخورد با دیگران از جنبه های عمومی دستورات اسلامی است. در زمینه های شناختی نیز می توانیم در همین قسمت «عدم پیروی از گمان و پرهیز از سوء ظن»، «حمل به صحت و حسن ظن داشتن نسبت مؤمنین»، «آزادی فکر و عقیده» و «به دنبال حق و حقیقت بودن» را ذکر کنیم: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم».

فرد خداپاور با توجه به حضور در جامعه، دین دار در بسیاری از فرایندهای روانشناسی اجتماعی، تحت تاثیر نگرش اجتماعی دین قرار می گیرد. نگرشی که حتی ادراک حسی وی را نیز تحت تاثیر خود دارد. به طور مثال، حضرت علی(ع) که به هنگام نماز بسیاری از محرکات محیطی را ادراک نمی کند ولی آنگاه که صدای سائل بلند می شود، ایشان هم می شنوند و هم ترتیب اثر می دهند. این دیدگاه الهی وقتی ادراک حسی را این گونه تحت تاثیر قرار می دهد، تاثیر آن بر دیگر فرایندها سهل است. پیش داوری فرد را کاملاً جهت می دهد، فرد بر اساس معیارهای هماهنگ با نگرش قرآنی اش پیش داوری می کند و از پیش داوری سوء نیز بر حذر می شود.

تبعیض نژادی را روا نمی دارد، افراد را بر اساس فقیر و غنی ارزش گذاری نمی کند ، تمام نگرش های رده های بعدی او، تحت تاثیر همان نگرش اساسی و عمیق است. اصولاً شخصیت چنین فردی در جامعه مرتبط به خود، با شخصیت افراد دیگر جوامع، کاملاً متفاوت است. تعامل های میان فردی اش، عشق و محبت و صمیمیت او، پرخاش گری و غضب او، همه و همه، جویبارهای کوچکی است که از همان رودخانه پرجوش و خروش خداپاوری اش منفک شده و جریان پیدا می کنند. اگر این خداپاوری بر نهادهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی حاکم باشد،

افکار عمومی زلال است، مخفی کاری های بین رئیس و مرئوس، امیر و رعیت وجود ندارد. انگیزشهای فردی و اجتماعی هماهنگی دارد و... در این باب می توان به نمونه های الگویی که در شکل قصص انبیاء در قرآن گزارش می شود، توجه کنیم و درس بیاموزیم .

جامعه دینی مشمول هدایت عمومی تشریعی شده که عده ای از این هدایت بهره مند شده و عده دیگر راه ضلالت را پیش گرفته اند: "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا" . در آیه دیگر نیز می فرماید: "وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ" به عبارت دیگر تکمیل نفوس انسانی به واسطه معارف حق و ملکات حسنه و اعمال صالحه است که موجب سعادت و رستگاری و نیل به فیوضات اخروی و نعمت های جاودانی خواهد بود.

آن چه این اعضاء جامعه را مانند يك كل متحد در پیکره جامعه به هم پیوند می دهد، اصول و ارزش های تضمین شده در دین است، لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا یعنی هرگز خداوند کافران را بر مسلمانان مسلط نمی کند، و این حدیث را «المؤمنون يد علی من سواهم» یعنی اتحاد مسلمین وسیله ی چیرگی بر دیگران است .

بنی آدم اعضاء یکدیگرند که در آفرینش ز يك گوهرند .

با توجه به این اصول که همه ی ما از دو بعد جسم و روان شکل یافته ایم، دقت در عوامل آسیب رساننده ی روانی و روحی و پیش گیری از بروز بیماری های روحی هم برای افزایش سلامت روان مؤثر است و هم از آسیب های جسمانی ناشی از عدم تعادل روحی می کاهد. به هر اندازه این تعادل یا سلامت روان دچار تغییراتی شود، انسان از حالت طبیعی خود خارج شده و نشانه های آشفتگی در او ظاهر خواهد گشت که از آن جمله می توان به ناکامی در دستیابی به اهداف و آرمان های پیش بینی شده اشاره کرد. نتیجه ی این ناکامی به طور معمول افسردگی، انزوا، ناامیدی و چه بسا اضطراب و دلواپسی از آینده است.

۷-هدف مندی

ثمره دیگر دین هدف مند نمودن انسان است این امر مسلم و بدیهی است که هر يك از ما تلاش های خود را در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر تنظیم می کنیم که به عنوان عناصر راه

زندگی در نظر گرفته می‌شوند. این تلاش‌ها که هر لحظه انسان در پی انجام آن است و نباید از آن غفلت داشته باشد، گام به گام آن‌ها را به سوی نیل به هدف نزدیک‌تر می‌نمایند. نحوه‌ی دستیابی به اهداف و تنظیم وسایلی که طی راه را ممکن می‌سازد جزو نکات مهم در این راستا است. پس:

الف- انسان‌ها هدفمند زیست می‌کنند. "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ"

ب- تمام تلاش خود را در راستای رسیدن به اهداف خرد و کلان زندگی مصروف می‌دارند: "يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ".

و به این ترتیب هم اعتقاد آنها به مبدأ و معاد محکم است، و هم پیوندشان با خدا و خلق. بنابراین، اوصاف فوق اشاره به برنامه عملی جامع آنها که در ورائی اعتقاد عمیق نهفته است، دارد. در مقابل آیه فوق خداوند متعال تصریح می‌فرماید که: حیرانی و سرگردانی، آسیب همیشگی کسانی است که سعی دارند در فرا سوی تلاش خود، موفقیت را ببینند. فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا پس آنها را واگذار داریم که منکر معاد هستند فِي طُغْيَانِهِمْ هر قدر بتوانند طغیان و سرکشی کنند و مشغول به دنیا شوند يَعْمَهُونَ دنیا آنها را حیران و سرگردان کرده در همین سرگردانی بمانند. إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ همانا آنان که ایمان نمی‌آورند به آخرت، زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ آراستیم اعمال حسنه ایشان را که امر کرده بودیم ایشان را به آن به نیکوترین وجهی. و تزئین آن بیان ثبوبات و درجات آن بود تا ترغیب و تشویق شوند به عمل حسنات و صالحات، لکن ایشان اعراض از آن نموده، فَهُمْ يَعْمَهُونَ پس ایشان حیران و سرگردان می‌شوند در ضلالت، خود را در نمی‌یابند آنچه تابع اعمال است از نفع و ضرر.

در این مسیر مهم ترین آسیبی که انسان را تهدید می‌کند، عدم برنامه‌ریزی و طبقه بندی نکردن فعالیت‌ها و اهداف است. اگر بخواهیم در انتهای جاده‌ی زندگی، موفقیت نهایی را برای خود رقم بزنیم بایستی:

ابتدا اهداف را در سه سطح نهایی، متوسط و ابتدایی تقسیم کنیم. هدف غایی دربرگیرنده‌ی اهداف متوسط و اولیه است، به این نحو که اگر اهداف اولیه و سپس اهداف متوسط حاصل شوند در نهایت فرد به هدف غایی خود نایل می‌شود.

پس گام اول تعیین و تشخیص هدف غایی از اهداف متوسط و ابتدایی است. از این رو بهتر است این اهداف و اولویت‌ها را بر روی کاغذ ثبت نماییم تا با تمرکز بیشتر در رتبه بندی و نيل به آن، تصمیم بگیریم.

در گام بعد می‌بایستی وسایل مورد نیاز جهت نيل به اهداف مورد نظر مشخص شوند. نحوه‌ی تعیین این وسایل بدین گونه است که فرد با توجه به ظرف زمانی که در آن وجود دارد ترتب و نحوه استفاده از این وسایل را مشخص می‌کند. برای تشخیص باید در ابتدا نقشه‌ای را پیش روی خود قرار دهد با فکر و دقت بر اساس نقشه راه را پیش برد و سپس با مشورت با افرادی که این راه را طی کرده‌اند، وسایل تا حد امکان مطلوب را تشخیص و با حذف زواید و کجی‌ها سرعت رسیدن به هدف را تسریع بخشد.

برای نيل به اهداف غایی، متوسط و اولیه فرد طالب بایستی وسایلی چون تبحر در کلاس‌داری، گذراندن مقطع تحصیلی مورد نیاز، اطلاعات تخصصی کافی و... را فراهم نماید. نحوه‌ی فراهم شدن این وسایل و ترتب و تقدم آن با تفکر، مشورت و صلاح دید مسؤول آموزشی و اساتید مجرب قبلی امکان‌پذیر است. لازم به ذکر است که باید در انتخاب وسایل و اهداف محتاطانه و سریع عمل نمود، چرا که فرصت و زمان چون ابرها می‌گذرند و جای هیچ درنگی نیست.

گام سومی که هم اکنون بررسی می‌شود «زمان بندی» اهداف و وسایل است که چون دو گام قبلی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

برای زمان بندی بایستی توجه داشت که:

۱. متوسط زمانی که در آن مدت می‌توان به هدف یا اهداف رسید را باید در نظر گرفت.

۲. زمان را از حالت کلی خارج کرده و تبدیل به قطعه‌های زمانی کوچک‌تر یا محدودتر شود.

۳. در انتهای هر قطعه‌ی زمانی با مرور زمانی که گذشته است، میزان موفقیت یا عدم آن سنجیده شود. و پس از علم به موفقیت یا عدم آن، تشویق و یا تنبیه‌هایی (متناسب با روحیه فرد) در نظر گرفته شود.

۴. در تشویق و یا تنبیه خود، باید صریح بود و به صراحت عمل کرد.

۵. سنجش و مراقبت باید در طی تمام قطعه‌های زمانی صورت بگیرد. مراقبت نهایی حاصل جمع مراقبت‌های قبلی است که در پایان تك تك قطعات زمانی ثبت شده‌اند.

نتیجه گیری: هدف از نگارش این مقاله تاثیر دین در زندگی فردی و اجتماعی است با توجه به آموزه هایی که از قرآن و روایات به دست آمده نتایج زیر بر این مقاله مرتبت می باشد که عبارتند از:

۱- بهجت آفرینی:

بهجت یا همان خوشبینی نسبت به انسان و جهان هستی و اهداف موجود در آن ایجاد می شود بدین معنا که انسان با ایمان با توجه به ولایت خداوند نسبت به کلیت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن خوشبین می باشد و برنامه ارائه شده از سوی مبدء را به عنوان آخرین و بهترین قانون پذیرا می گردد.

۲- روشن بینی

با توجه به این که خداوند نور محض است (الله نور السموات و الارض) این نور الهی نیز در وجود و درون وی رسوخ نموده و با بینش کامل نسبت به حوادث عالم عکس العمل نشان می دهد. و از هیچ گونه گمراهی در مسیرهای زندگی نمی هراسد و با اعتماد به نور الهی مسیر زندگی را به سلامت و سعادت می پیماید.

۳- امیدواری

از دیگر مسیری که در زندگی انسان با ایمان ایجاد می شود امیدواری است امیدواری به اینکه مسیر الهی مسیر درستی بوده و به کثرت و اعوجاجی مسیرهای انسانی نمی ماند و تنها از این

نکته ناشی می‌شود که: انسان به موجودی که حرکت او را جهت بخشیده و تنظیم می‌کند، اعتقاد داشته و عنصر توکل را قرین ایمان واقعی و حقیقی خود در نظر می‌گیرد.

۴- آرامش خاطر

آرامش روانی که از جانب دین نصیب انسان می‌گردد به دو جهت است :

ابتدا، فطرت انسان پس از دستیابی به خواسته خداجویی ، آرام و قرار نمی‌گیرد. میل و کششی در انسان به ودیعه نهاده شده تا به سوی میل فطری خود حرکت و تلاش نماید و انسان نیز به گزین است ، پس رسیدن به هر خواسته ای، نمی‌تواند جای آن را بگیرد، به همین خاطر، انسانی که یاد خدا را در دل خویش جای دهد و ارتباط روحی میان خود و خدا برقرار کند. دوم ، از آن جهت است که فرد مؤمن با توکل و اعتماد به خدا و دل بستن به لطف و عنایت او، هرگز یاس و ناامیدی را به دل خویش راه نمی‌دهد. لا یَیَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ از این رو با ایمان به مبدا و معاد و دل نبستن به لذایذ زودگذر دنیوی ، هنگام به دست آوردن و از دست دادن آنها مضطرب و ناراحت نمی‌شود. " عمیقی توام با رضایت و خشنودی به دست می‌آورد.

۵- اجتماعی بودن

دین علاوه بر آموزه های عبادی و فردی آموزه های اجتماعی را نیز جزء موارد تشریعی خود قرار داده است و با توجه به این که انسان مانوس با تبعیت و جامعه می‌باشد ، جزئی از اجزاء اجتماع برزگ است و انسان دیندار خاصه این اجتماعی بودن را بیشتر درک می‌کند

۶- روابط اجتماعی

بیشتر آموزه های دین در حیطه اجتماعی معنا شده ، از قبیل مواردی که در عنوان روابط اجتماعی گذشت. ارتباط و محبت دو طرفه میان افراد برگرفته از روح خدا باوری که در نهاد و ضمیر وی قرار داده شده، اخذ شده است.

۷-هدف مندي

انسان با توجه به روحیه و طبیعت وی بایستی هدفی را دنبال نماید که زندگی بدون هدف بسان جاده بی انتها است و با توجه به آیات قرآن به کرات عنوان شده که برای انسان هدفی از خلقت پیش بینی شده است.

منابع

نرم افزارها:

(۱) جامع التفاسیر

(۲) دانشنامه علوی

(۳) جامع الاحادیث

(۴) فرهنگ قرآن

(۵) کتابخانه الکترونیکی

کتابها:

(۱) ترجمه قرآن مکارم- قرن: پانزدهم- ناشر: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)-مکان چاپ: قم-سال چاپ: ۱۳۷۳ ش-نوبت چاپ: دوم

(۲) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن- مترجمان-- قرن: پانزدهم- مذهب: شیعی-ناشر: انتشارات فراهانی-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: ۱۳۶۰ ش-نوبت چاپ: اول-تحقیق: رضا ستوده

(۳) برگزیده تفسیر نمونه- بابایی احمدعلی- قرن: پانزدهم- ناشر: دار الکتب الاسلامیه-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: ۱۳۸۲ ش-نوبت چاپ: سیزدهم

(۴) ترجمه بیان السعادة- خانی رضا / حشمت الله ریاضی- قرن: پانزدهم- ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: ۱۳۷۲ ش-نوبت چاپ: اول

(۵) ترجمه المیزان- موسوی همدانی سید محمد باقر- قرن: چهاردهم- ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین - حوزه علمیه قم-مکان چاپ: قم-سال چاپ: ۱۳۷۴ ش-نوبت چاپ: پنجم

(۶) نهج البلاغه کلمات قصار - فارسی-عربی-قطع : وزیری-ناشر: شهرآب باهمکاری بنیاد نهج البلاغه-سال چاپ: ۱۳۷۲-نوبت چاپ: اول-مکان: تهران پدیدآورندگان: حمید قاضی خاکپاسری

(۷) ترجمه جوامع الجامع - مترجمان- قرن: پانزدهم- ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی-مکان چاپ: مشهد-سال چاپ: ۱۳۷۷ ش-نوبت چاپ: دوم-تحقیق: با مقدمه آیه الله واعظ زاده خراسانی

(۸) تفسیر نمونه-مکارم شیرازی ناصر- قرن: پانزدهم- ناشر: دار الکتب الاسلامیه-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: ۱۳۷۴ ش-نوبت چاپ: اول

(۹) انوار درخشان- حسینی همدانی سید محمد حسین- قرن: چهاردهم- ناشر: کتابفروشی لطفی-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: ۱۴۰۴ ق-نوبت چاپ: اول-تحقیق: محمد باقر بهبودی

۱۰) مستدرک الوسائل - محدث نوری - مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم - ۱۴۰۸ هـ ق

شرح نهج البلاغة - ناشر: کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی - بی تا - مکان: قم - پدیدآورندگان: عزالدین ابو حامد ابن ابی الحدید مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم

۱۱) أطيب البيان في تفسير القرآن - طيب سيد عبد الحسين - قرن: پانزدهم - ناشر: انتشارات اسلام - مکان چاپ: تهران - سال چاپ: ۱۳۷۸ ش - نوبت چاپ: دوم

۱۲) تفسير نور-قرائتی محسن - قرن: پانزدهم - ناشر: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - مکان چاپ: تهران - سال چاپ: ۱۳۸۳ ش - نوبت چاپ: یازدهم

۱۳) بحار الانوار - علامه مجلسی - ۱۱۰ جلد - مؤسسة الوفاء بيروت - لبنان - ۱۴۰۴ - هجری قمری

۱۴) تفسير عاملي - عاملی ابراهیم - قرن: چهاردهم - ناشر: انتشارات صدوق - مکان چاپ: تهران - سال چاپ: ۱۳۶۰ ش - بی تا - تحقیق: علی اکبر غفاری

مقالات:

۱) پیش به سوی زندگی بهتر - تضمین سلامت روان مهدیه علوی

۲) آثار روانی - اجتماعی خداپاوری محمد کاویانی

۳) انسان کامل (مطلوب) از دیدگاه اسلام و روانشناسی مسعود آذربایجانی

۴) بررسی معنا شناختی واژه کفر در قرآن کریم حسن خود روان

۵) آثار فردی و اجتماعی ایمان آیت الله مجتبی تهرانی